

تدریجی به دلایل متعدد از جمله چند نرخى شدن ارز و كنترل کوتاه مدت التهابات بازار، اهداف مورد نظر سياست گذاران را برآورده نكرده است. بنابراین تحقق چنین اهدافی منوط به ثبات و پیش بینی پذیری نرخ ارز و سیاست های کلان کشور است

در واقع دولت برای تولید داخلی این محصولات یارانه می دهد، اما همین کالاها قاچاق شده و از کشور خارج می شوند. از سوی دیگر، بسیاری از این محصولات فروش و صادراتشان به صورت انحصاری توسط برخی شرکت ها انجام می شود که این خود نوعی رانت در این حوزه ایجاد کرده است. تجارت محصولات پتروشیمی در عمل در اختیار یک گروه خاص قرار گرفته و هر کسی نمی تواند وارد این حوزه شود. همچنین بخش بزرگی از این مجموعه ها نیمه دولتی یا خصوصی هستند و هرچند بسیاری از آنها ظاهراً خصوصی به نظر می رسند، اما اگر بخواهیم پتروشیمی های کاملاً خصوصی را شناسایی کنیم، تعدادشان بسیار محدود است. بنابراین این حوزه می تواند بسیار فسادزا باشد. یک زمانی قیمت خوراک پتروشیمی ها آن قدر ارزان بود که بحث های زیادی مطرح می شد مبنی بر اینکه رانت بزرگی به پتروشیمی ها داده می شود که البته بعدها این روند متوقف شد. متأسفانه زمانی که سیاست گذاری ها با قیمت گذاری دستوری همراه می شود، خود این موضوع به محلی برای شکل گیری فساد تبدیل شده و مسلماً باعث ایجاد رانت و فساد گسترده می شود.

به نظر شما معضل نرخ خوراک محصولات پتروشیمی چگونه حل خواهد شد و چه پیشنهادی برای این موضوع وجود دارد؟
مهرداد عباد: در خصوص معضل نرخ خوراک پتروشیمی ها، من باز همان پیشنهاد اول را مطرح می کنم. فکر می کنم گفته شد که به خود پتروشیمی ها چاه گاز داده شود؛ یعنی پتروشیمی هایی که در مناطق مختلف مثل ماهشهر، عسلویه یا غرب کشور مستقر هستند، از چاه های گازی بلا استفاده بهره ببرند. این پتروشیمی ها می توانند کنسرسیوم تشکیل دهند، سرمایه گذاری کنند، برداشت گاز را برعهده بگیرند و از محل همین برداشت، خوراک مورد نیاز خود را تأمین کنند. همچنین می توانند انواع مختلف قراردادهای پیمانکاری با دولت منعقد کنند تا یا صاحب کل محصول شوند یا اجرای پروژه را برعهده بگیرند.

آیا آزادسازی تدریجی قیمت محصولات پتروشیمی با ابزارهای حمایتی هدفمند مثلاً برای صنایع پایین دست می تواند تعادلی بین رقابت پذیری و حمایت ایجاد کند؟
روح الله شهیدی پور: تجربه های گذشته نشان می دهد که آزادسازی تدریجی به دلایل متعدد از جمله چند نرخى شدن ارز و کنترل کوتاه مدت التهابات بازار، اهداف مورد نظر سیاست گذاران را برآورده نكرده است. بنابراین تحقق چنین اهدافی منوط به ثبات و پیش بینی پذیری نرخ ارز و سیاست های کلان کشور است. با این حال صنایع پایین دست می توانند از تسهیلات تأمین مالی زنجیره ای از طریق صندوق های کالایی بورس کالا و صندوق توسعه ملی بهره ببرند تا اثر افزایش قیمت خوراک را مدیریت کنند. در این مدل، به جای کنترل قیمت، دولت بر بهره وری، مصرف انرژی و اشتغال نظارت دارد.

مهرداد عباد: در خصوص آزادسازی تدریجی قیمت ها، اگر کشورهای توسعه یافته را بررسی کنیم، همه آنها یک نقطه اشتراك دارند و آن اینکه تجارت آزاد جهانی، تجارت آزاد و بازار آزاد را به رسمیت شناخته اند و از قوانین آن تبعیت می کنند. ما هم اگر می خواهیم پیشرفت کنیم، مسلماً باید در همان مسیر حرکت کنیم. برای مثال، چین سال ها پیش یکی از کمونیستی ترین و چپ ترین اقتصادهای دنیا را داشت، اما در مقطعی به این نتیجه رسید که اگر می خواهد توسعه پیدا کند باید از اقتصاد بازار آزاد استفاده کند. حالا اینکه این موضوع به صورت تدریجی انجام شود یا یک باره، میان اقتصاددان ها اختلاف نظر وجود دارد، زیرا هر کدام مزایا و معایبی دارد. برای نمونه، کشور آرژانتین این کار

را یک باره انجام داد، اما بسیاری از کشورها این فرآیند را به تدریج پیش می برند. اما نکته اصلی این است که این اتفاق باید بیفتد؛ حالا اینکه به صورت گام به گام یا تدریجی باشد، باید با تحلیل و بررسی بیشتری تصمیم گیری شود. بسیاری از مواقع، دولتمردان ما از ترس اینکه اتفاقات ناگواری رخ دهد، از انجام برخی اصلاحات صرف نظر می کنند. در حالی که هر اصلاحی طبیعتاً مقداری مشکلات ایجاد می کند و باید با رویکرد جامعه نگرانه این اصلاحات صورت گیرد.

به اعتقاد شما دولت و وزارت نفت باید چه راهکارهایی برای کنترل اثر افزایش قیمت گاز بر تولید و صادرات ارائه دهند تا از ایجاد شوک بیشتر در صنایع پتروشیمی جلوگیری شود؟

روح الله شهیدی پور: به نظر من باید این اقدامات در دستور کار قرار گیرد: «اول؛ طراحی قراردادهای بلندمدت و قابل پیش بینی خوراک با بندهای پلکانی. دوم؛ استفاده از درآمدهای مازاد حاصل از صادرات گاز در صندوق پایداری انرژی برای جبران نوسانات هزینه صنایع داخلی و سوم؛ اولویت دهی تخصیص گاز به صنایع دارای طرح های توسعه صادرات و طرح های بهینه سازی مصرف انرژی.»
مهرداد عباد: ایران از نظر تعداد واحدهای پتروشیمی، یکی از بزرگ ترین کشورهای دنیا محسوب می شود؛ اما با وجود این ظرفیت عظیم، در خود صنعت پتروشیمی عقب ماندگی چشمگیری داریم. علت اصلی این مسأله آن است که بسیاری از پتروشیمی های ما همچنان محصولات قدیمی و کم ارزش تولید می کنند، در حالی که شرکت های پیشروی جهان تمرکز خود را بر محصولات های تک و دارای ارزش زیاد گذاشته اند. کشورهای حوزه خلیج فارس نیز در این صنعت پیشرفت قابل توجهی داشته اند و مدلی را به کار گرفته اند که امروز در سطح جهانی پذیرفته شده است: مدل بازار آزاد؛ مدلی که در آن قیمت خوراک، خرید و محصولات تولیدی را بازار و میزان عرضه و تقاضا تعیین می کند. همین رویکرد آزاد و آزموده شده، کشورهای موفق را به جایگاه امروزشان رسانده است. اما ما در ایران گویی می خواهیم چرخ را دوباره از نو اختراع کنیم. زیرا مدل های اقتصادی ای که به کار می بریم، ترکیبی آشفته از ایدئولوژی و برخی مکاتب چپ گرای ناکارآمد است؛ رویکردی که کارایی لازم را نداشته و اقتصاد ما را به وضعیت کنونی رسانده است.

تجربه کشورهای موفق در مدیریت قیمت خوراک چگونه بوده و ایران از کدام الگوها برای اصلاح ساختار تعیین نرخ خوراک می تواند الهام بگیرد؟

روح الله شهیدی پور: تصمیم گیران ما می توانند با نیم نگاهی به تجربه دیگر کشورها تصمیمات بهینه ای اتخاذ کنند. برای مثال قطر از فرمول شناور با دامنه محدود استفاده می کند که مستقیماً به قیمت صادرات LNG گره خورده است. در آمریکا، ساختار «Henry Hub» با ایجاد شفافیت بین تولیدکننده، تأمین کننده و معامله گر در بازار آتی انرژی، ریسک را بین کل زنجیره توزیع می کند. همچنین ایران نیز می تواند با توجه به پتانسیل های موجود و تجارب ذکر شده نسبت به تعیین فرمول قیمت گذاری انواع خوراک اقدام کند.

به هر حال چگونه می توان تعادل بین منافع پتروشیمی های بالادستی و نیاز تولیدکنندگان پایین دستی را برقرار کرد؟
تعادل باید بر پایه عملکرد و ارزش افزوده برقرار شود. پیشنهاد ما بر این مبناست که تخفیف خوراک به واحدهایی تعلق گیرد که طرح توسعه زنجیره ارزش دارند، بهره وری انرژی آنها بالاست و در بورس کالا عرضه پایدار دارند. در این صورت، منابع حمایتی هدفمند مصرف می شود و زنجیره تولید از خام فروشی به سمت تولید محصول نهایی حرکت می کند.